

حقوق حرفه‌ای سردفتر اسناد رسمی (بخش سوم)

نوشته: ژان یگر و ژان فرانسوا پیه‌بو سردفتران ممتاز فرانسه

ترجمه: بهمن رازانی^۱

یک؛ سردفتر و دیگر اشخاص حقوق سردفتری

قسمت اول

پیشینه سردفتری

بخش یک-پیشینه کهن

۳۱ - پیشینه سردفتری با پیشینه ادله اثبات در هم آمیخته است؛ در آغاز، ادله شفاهی و بعدها که ادله مکتوب جانشینان شده است.

اغلب گفته می‌شود که میرزایان (Les Scribes) در بابل، مصر و نزد عبرانیان نیای سران دفاتر اسناد رسمی محسوب می‌شوند. در صورتی که اسکریب‌ها چه در بابل و چه در مصر منحصرأً عریضه‌نویسان عمومی مردم به حساب می‌آمده‌اند و نیز ضابطان دفاتر سینیورها و کار مأموران رسمی را در زمینه دلایل در مصر «Agoranomo» انجام می‌داده‌اند و در یونان «Hieromemnes» و یا «Epistates» که کشیش یا راهب می‌بودند.

در رم باستان، بردگانی که نوشتن می‌دانستند، مأمور برداشتن یادداشت در امور (Les

(notes) بوده‌اند (که واژه *Notaires* = سردفتر نیز از همان واژه مشتق گردیده است) این بردگان، منشیان «تابلیون‌ها» عریضه‌نویسان عمومی شده و نگارش اسناد را حرفه خویش قرار می‌دادند.

علاوه بر اینان گروه «*Les tabularii*» تابولاری نیز به نگارش برخی اسناد (فرزندخواندگی، تحریر اموال، وصیت و همانند آنها) اشتغال داشتند.

اسناد یا *Instrumenta*، حتی آنهایی هم که به عموم مربوط می‌شد، زمانی قوه اثباتی می‌یافت که در دفاتر عمومی (*Acta Publica*) رونویس می‌گردید. و برای پیدا کردن قوه اجرائی، می‌بایست جریان تشریفاتی (*In Jure Cessio*) طی شود.

در بیزانس، سران دفاتر «*tabularois*» یا «*Notarios*» نامیده می‌شدند. ایشان برای نگارش اسنادشان بایستی از اشکال خاصی پیروی می‌کردند. و نیز خود گروهی صنفی را تشکیل می‌دادند.

بخش دو- در حقوق قدیم فرانسه

۳۲- برای تفصیل [سابقه سران] دفاتر باید کشورهای دارای حقوق نوشته را از کشورهای که حقوقشان مبتنی بر عرف و عادت است جدا ساخت.

*در کشورهای حقوق نوشته: در این کشورها گروه کوریال (*Curiales*) مأمورانی محسوب بودند که به اسناد رسمیت می‌بخشند. در قرن دوازدهم، همین تأسیس مجدداً خودنمایی کرده است و جدائی مشاغل ترافیعی از نویسندگان اسناد را از قرن یازدهم می‌توان مشاهده کرد.

*در کشورهای حقوق مبتنی بر عرف و عادت: می‌دانیم که شارلمانی *Charlemagne* در دستورالعمل ۸۰۵ خود اولین سران دفاتر اسناد رسمی را بنام *Les Judices Cartularii* پدید آورده است.

پیش از آن، مدیران دفاتر دادگاه‌های اشرافی یا شاهی در دوران فئودال‌ها، نگارش و تنظیم اسناد را - به استثنای زدن مهر برای الزام‌آور شدنشان - بر عهده داشتند.

بخش سه - حقوق فرانسه معاصر

۳۳ - به سال ۱۲۷۰ م، سنت‌لویی^۱ شصت منصب سردفتری برای حاکم نشین پاریس با مرکزیت شاتله (Châtele) ایجاد کرد.

در ۱۳۰۰ و ۱۳۰۲ «فلیپ لوبل»^۲ با حفظ امتیاز انتصاب سران دفاتر برای خود، این تأسیس را به سراسر فرانسه وسعت و شمول بخشید و مبالغ قابل دریافت به وسیله سران دفاتر را تعیین کرد. فرمان شاهی مورخ ژوئیه ۱۳۰۴ دفتری را پدید آورد که هر سردفتر مکلف بود بخشش‌های موضوع وصایا، نام و ویژگی‌های متعاملان و همین‌گونه مبلغ وجوه دریافتی خود را در آن ثبت کند.

فرمان «ویلر کوه‌رت»^۳ در اوت ۱۵۳۹ به کاربردن زبان فرانسه را برای نگارش اسناد رسمی الزامی ساخت و در ظل حکومت فرانسوای اول و هانری دوم، نیازهای خزانه باعث شد که تعداد مناصب و دفاتر مربوط بدین شغل افزایش یابد و اعمال سردفتری نیز انقسام پذیرد؛ سردفتر «Notaire» که به نگارش متن اصلی سند «Minuts» دست زند، و گروه منشیان «Tabellion» که به تهیه سواد و اجرائیه بپردازند. و مهردادان برای قابلیت اجرای اسناد بدانها مهر زنند و بایگانان که حفظ و نگاهداری سابقه اسناد را بر عهده داشته باشند.

به سال ۱۵۹۷ هانری چهارم و سپس در ۱۷۰۶ لوئی چهاردهم تکلیف کردند که مشاغل چهارگانه یاد شده در یک دفتر گرد.

آن هنگام، سران دفاتر به چند دسته منقسم شدند: سر دفتران سلطنتی که حوزه عملکردشان به حاکم نشین منطقه محدود می‌شد. استثنائاً همین سردفتران در «پاریس» و «اورلئان» و «مون پلپه» در تمام فرانسه صلاحیت کار داشتند.

1. Saint Louis.

2. Philippe Le bel.

3. Villers – Cotterêts.

گروه دیگر، سردفتران اشراف بودند که از سوی فنودال‌های مأمور به بسط عدالت برگزیده می‌شدند. و سرانجام سردفتران روحانی.

قانونی در ۲۹ سپتامبر و ۶ اکتوبر ۱۷۹۱ قابلیت خرید و فروش دفاتر اسناد رسمی را لغو کرد و حوزه صلاحیت واحد استان [محل استقرار] را برای آنها قائل شد. قانون ونتوز «Vin Tôse» ششمین ماه سال یازدهم جمهوری (۱۶ مارس ۱۸۰۳) در واقع به عنوان قانون اساسی سردفتری انتشار یافته است.

حق گزیدن و معرفی جانشین نیز برابر ماده ۹۵ قانون ۲۸ اوت ۱۸۱۶ برقرار شده است. پس از آن، قوانین، فرامین و تصویب‌نامه‌های متعددی در زمینه امور سردفتری به تصویب رسیده و نشر شده است. (نگاه کنید به شماره ۲۵ همین تألیف و در زمینه تاریخ سردفتری و تاریخ سردفتری فرانسه و جز آن نگاه کنید به کتابهای ذیل:

A. Moreau; Les Métamorphoses du Scribe. Histoire du Notarial Français, 1989, Lagrande Histoir du Notariat.

قسمت دوم

تعداد و مکان استقرار سران دفاتر و جذب ایشان

بخش یک- تعداد و مکان استقرار سران دفاتر

الف- اصل

۳۴- در دوره رژیم قدیم، تعداد سران دفاتر اسناد رسمی به نحو چشمگیری افزایش یافت تا به چهارده هزار رسید. هنگام انقلاب فرانسه، این تعداد به بیست هزار نزدیک بود. همین‌گونه قانون ونتوز نیز دو اصل را تأسیس کرد برای هر بخش و یا هر شهر با یکصد هزار سکنه، دست‌کم یک سردفتر و برای هر شش هزار سکنه یک سردفتر جدید.

تصویب‌نامه ۲۲ دسامبر ۱۹۵۸ در راستای اصلاح ماده ۳۱ قانون ونتوز، مقرر داشته است که تعداد و مقر سران دفاتر اسناد رسمی برای هر حوزه دادگاه شهرستان بر حسب مصوبه‌ای که مبتنی بر گزارش و درخواست وزارت دادگستری تصویب می‌گردد، تعیین می‌شود.

چگونگی اجرای این تصویب‌نامه حسب مصوبه شماره ۹۴۲-۷۱ مورخ ۲۶ نوامبر ۱۹۷۱

خواهد بود. در یکم ژانویه ۱۹۹۶، جمعاً ۴۶۲۳ دفتر اسناد رسمی (۴۹۴۱ دفتر در سال ۱۹۹۰) که از بین آنها ۵۲۸۱ نوشان از سران دفاتر شریک در شرکتهای ویژه ثبت اسناد رسمی به شمار می‌آمده‌اند (۴۴۸ نفر در ۱۹۹۰) و از ایشان ۷۸۳ نفر از بانوان بوده‌اند (۴۲۶ بانو در سال ۱۹۹۰) سران دفاتر اسناد رسمی حقوق بگیر که به موجب قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ پدید شده‌اند، هنگام شمارش ۴۲ تن بوده‌اند.

در پی تغییراتی که از آغاز قرن نوزدهم در اقتصادیات فرانسه پیش آمد، (از جمله مهاجرت روستائیان، تمرکز شهرها، توسعه اقتصادی برخی مناطق) اصلاح دفاتر اسناد رسمی به تعدادی که در سال ۱۸۱۶ تعیین گردیده بود، دیگر با مقتضیات کشور متناسب نمی‌نمود؛ چه در برخی از مناطق، سردفتر نمی‌توانست با استفاده از نتایج کار دفتر رسمیش زندگانی متوسط و مناسبی داشته باشد. در حالی که در برخی دیگر از مناطق، تعداد سردفتران پاسخگوی جمعیت رو به افزایش نمی‌بود. گروه چشمگیری از سران دفاتر اسناد رسمی در مناطق روستایی به کار مشغول بودند، در حالی که تعداد سردفتران در شهرهای بزرگ غالباً کافی به نظر نمی‌رسید. چنان که در منطقه پاریس، برای بیش از ده میلیون نفر ساکنان پایتخت و فعالیت حقوقی بسیارشان به سال ۱۹۸۰ فقط در حدود ۵۰۰ نفر سردفتر به کار اشتغال داشتند. (به سال ۱۹۹۶ و در پی تأسیس دفاتر تازه و پذیرش شرکتهای نوین سردفتری این تعداد به ۷۸۰ سردفتر بالغ گردید.) و نظر بدان که توزیع دفاتر اسناد رسمی در مناطق نمی‌توانست همپای سرعت انتقال مردمان و فعالتهایشان به مراکز بزرگ فعالیت پیش رود، مشکل این توزیع همچنان ملموس می‌نمود.

این توزیع جغرافیائی، گاه از طریق حذف و انحلال پاره‌ای از دفاتر، انتقال مجوز سردفتر سابق به دیگری و نیز تأسیس دفاتر جدید انجام می‌شد (ماده ۳۱ قانون وتوز و تصویبنامه شماره ۹۴۲-۷۱ مصوب ۲۶ نوامبر ۱۹۷۱ ماده ۶-۲)

از آغاز دهه هشتاد بخش عمومی با اصلاحاتی مواجه گردید که اصل آزادی استقرار دفاتر اسناد رسمی را برنمی‌تابید. و به نظر می‌رسید که حرکت در راستای توزیع مجدد دفاتر

اسناد رسمی در جهت توسعه آنها و از طریق تأسیس برنامه‌ریزی شده آنها و نیز حذف برخی و انتقال برخی دیگر، ناگزیر و پذیرفتنی بود. از این رو کمیسیونی تشکیل گردید که چندن تن از سران دفاتر اسناد رسمی، جامعه‌ای از سران دفاتر، چند دادرس و نماینده مدیریت همگامی برنامه‌ها از وزارت اقتصاد و امور مالی در آن شرکت داشتند و زیرمجموعه وزیر دادگستری به کار می‌پرداخت، امر تمهید مجدد استقرار دفاتر اسناد رسمی را همگام با نیاز دائمی مردمان و آمار ساکنان هر منطقه بر عهده داشت. کمیسیون استقرار دفاتر اسناد رسمی (C.L.O.N) از آن پس نقش اساسی را در توزیع اماکن استقرار دفاتر اسناد بر عهده دارد (تصویب‌نامه شماره ۹۴۲-۷۱ نوامبر ۱۹۷۱ و نیز مصوبه ۷۲۸-۸۶ مصوب ۲۹ آوریل ۱۹۸۶؛ به شماره ۳۷ همین نوشته مراجعه کنید)

ب- تعطیل دفتر اسناد رسمی

۳۵ - تصمیم به تعطیل دفتر اسناد رسمی، بنا به نظر کمیسیون استقرار دفاتر اخذ شده و ظرف شش ماه پس از آن باید اجرا گردد. کانون‌های دفاتر اسناد رسمی، شورای محل و نیز شورای عالی موظف‌اند که ظرف دو ماه پس از تصمیم کمیسیون استقرار، به اعلام نظر خود در آن راستا بپردازند. تعطیل دفتر اسناد رسمی منحصرأ در پی مرگ سردفتر، استعفای وی و یا انفصال سردفتر اسناد رسمی و یا مؤسسه سردفتری ممکن است. سردفتر اسناد رسمی را نمی‌توان به استعفا از شغل خویش در راستای تعطیل دفترخانه‌اش مجبور ساخت، لیکن شخص ذینفع می‌تواند خود تعطیل دفترخانه را درخواست کند.

ضرر و زیانی که ممکن است در اثر تعطیل دفترخانه‌ای بر مالک قبلی آن تحمیل شود، از طرف سردفتر بعدی که از آن تعطیل منتفع می‌گردد، ارزیابی و ترمیم می‌گردد.

هرگاه اینان نتوانند دوستانه در آن زمینه توافق کنند، کمیسیون استقرار دفاتر، خود رأساً مبلغ ضرر و زیان را تعیین کرده و به اطلاع وزیر دادگستری می‌رساند.

مبلغ ترمیمی زیان سردفتران منطقه‌ای که دفاترشان به سود منطقه مجاورشان تعطیل می‌شد از سوی کمیسیون‌های عالی و کمیسیون محلی تأمین می‌گردد.

علاوه بر آن در راستای اجرای ماده ۲۱ قانون مصوب ۲۵ ژوئن ۱۹۷۳، شورای عالی سران دفاتر اسناد رسمی، صندوقی را تأسیس کرده که کارش پرداخت کمک‌ها و امتیازاتی در راستای تعدیل شرایط شروع به کار سردفتران جدید و همچنین توزیع مناسب دفاتر اسناد رسمی است.

پ- انتقال دفترخانه

۳۶ - انتقال دفترخانه، به جای تعطیلی آن، منحصراً در حوزه دادگاه شهرستان و دست‌بالا از حوزه‌ای به حوزه مجاور، ممکن است برگزیده شود. تشریفات این نقل و انتقال بی‌شبهت به تشریفات تعطیلی دفترخانه نیست (تصویب‌نامه ۲۶ نوامبر ۱۹۷۱ مواد ۲-۳ و ۲-۶)

ت- ایجاد دفترخانه

۳۷ - دو یا سه برابر شدن ساکنان شهر یا بخش بدون آن که تعداد سردفترانشان افزایش یابد، نمی‌تواند باشد.

اما امر تأسیس دفاتر اسناد رسمی و انگاره‌ها و معیارهایش بس پیچیده و دقیق است، چه از سویی با حقوق مکتسبه دیگر دفاتر برخورد می‌کند و همچنین در بسیاری از موارد، توجه و مراجعه مردمان به دفاتر تازه تأسیس به آسانی انجام نمی‌پذیرد. حکومت نیز در مواردی در پی تغییرات و حوادث سیاسی - از جمله در راستای بالا بردن درجه دفاتر اسناد یا دست‌اندرکاران دستگاه عدالت - به تأسیس دفاتر متعددی دست زده است.

از جمله تصویب‌نامه ۱۹ می ۱۹۶۴ به تأسیس یکصد دفترخانه اسناد رسمی به ویژه در منطقه پارس و حوزه دادگاه اکس آن پروونس دست زد. طرح بازسازی پیشنهادی دادگاه تجدیدنظر نیز باعث شد که بین سال‌های ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۵ یکصد و بیست و هشت دفتر اسناد رسمی جدید تأسیس شد.

پس از تأسیس کمیسیون استقرار دفاتر، طرح نوین استقرار و تأسیس دفاتر هم از ۱۹۹۰ به بعد تصویب و اجرا گردیده است. به سال ۱۹۹۶ یکصد و شصت و شش دفترخانه

تأسیس شده و پنجاه و دو دفتر دیگر نیز پیش‌بینی شده است.

تصمیم به تأسیس دفترخانه جدید نیز بر حسب نظر کمیسیون استقرار دفاتر مبتنی بر ماده دو تصویب‌نامه ۲۶ نوامبر ۱۹۷۱ اخذ می‌گردد (به شماره ۳۴ همین تألیف مراجعه کنید). و برگماشتن شخص برای سردفتری یک دفترخانه با رعایت مقررات موضوع ماده ۴۹ تا ۵۵ تصویب‌نامه شماره ۶۰۹-۷۳ پنج ژوئیه ۱۹۷۳ از طریق کنکور انجام می‌شود. قانون شماره ۱۲۵۸-۹۰ مصوب ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰ دو طریق را برای تأسیس دفترخانه به سود کسی که در این شغل به کار و کوشش مشغول است، پیش‌بینی کرده است؛ زمانی که عضو شرکت سردفتری به سبب عدم توافق با آن از [سردفتری] کناره می‌گیرد، شرکای آن شرکت همزمان با انحلالش می‌تواند توافق کرده و وی را برای منصب سردفتری دفترخانه‌ای که تأسیس می‌شود، پیشنهاد کنند. (ماده ۱۸ تا ۲۶ قانون ۲۹ نوامبر اصلاحی به وسیله قانون ۳۱ دسامبر ۱۹۹۰. تصویب‌نامه ۸۶۸-۶۷ دوم اکتبر ۱۹۶۷ ماده ۸۹ تا ۸۷ (راجع به انحلال) و ۶-۸۹ تا ۱-۸۹ راجع به عدم توافق و سرانجام تصویب‌نامه ۶۴-۹۴ هشتم ژانویه ۱۹۹۲)

چند مقرره مستقل نیز برای تأسیس شرکت‌های غیردولتی که به کار سردفتری می‌پردازند تصویب شده است (قانون شماره ۱۲۵۸-۹۰ سی و یکم دسامبر ۱۹۹۰ ماده ۱۱. تصویب‌نامه شماره ۷۸-۹۳ سیزدهم ژانویه ۱۹۹۳، ماده ۶۷ تا ۶۴ و ۷۳ تا ۶۸ در خصوص انحلال و عدم توافق).